

گلوله می‌رود به حالت گریه افتادم ، چنانچه دیروز هم همین حال را دیده و همین حالت عارضم گردید . پسر مدیر لشکر را که از سادات است نیز به همین حالت دیدم . خوشا به حال این جوانان با شرف که در راه حفظ وطن و استقلال آن این گونه جان بازی می‌کنند . برخلاف بدا به حال شیخ فضل و اتباعش که متصل دعا می‌کنند قشون روس وارد شود . دو نفر از نوکرهای حاج علی اکبر بروجردی را امروز دیدم که صدای توپ را که می‌شنیدند می‌گفتند «قربانت ای صدای توپ که مشروطه خواهان را می‌کشی» .

والسواء این وطن‌فروشان راضی به تسلط و سلطنت خارجه می‌شوند و راضی به اساس عدل و مشروطیت نمی‌شوند برای دو روز ریاست ارباب و آقایشان .

روز پنجشنبه ۲۶ جمادی الاخری ۱۳۲۷ - امروز از صبح الی غروب آفتاب صدای توپ و تفنگ بلند بود . اول طلوع فجر صادق شروع در تفنگ زدن کردند ، چه شب را سدائی مسموع نشد و اول اذان صبح تا يك ساعت از آفتاب گذشته متوالیاً صدای تفنگ مسموع می‌شد . از يك ساعت از آفتاب گذشته صدای توپ بلند شد . از اول ظهر جنگ در دروازه قزوین شروع شد چه تا ظهر از عمارت بهارستان بطرف خانه عین‌الدوله که سنکر مستبدین بود توپ می‌انداختند و از ظهر دروازه قزوین هم شروع شد .

دیشب اول مغرب هشتصد نفر از مجاهدین از قزوین وارد شدند . صد نفر از آنها عقب بودند که قزاق رفت جلو آنها ، دم دروازه تلاقی شد ، خاک ریز خندق سنکر دولتی بود ، مجاهدین شهری هم رسیدند جنگ در گرفت .

هفت نفر مامقانی دم مجلس کشته شد . چند نفری را هم گلوله باران نمودند . سه نفر از مجاهدین هم در قزاقخانه کشته شدند . طرف عصر شهرت گرفت زیر قزاقخانه را نقب می‌کنند که قزاقخانه را آتش بزنند لکن واقعیت نداشت .

مجددالاسلام دیشب از خانه خود فرار کرده آمدند در خانه بحر العلوم ، تا صبح آنجا بود . قبل از ظهر باهم رفتیم خانه آقا یحیی ، ظهر را آنجا بودیم خیلی مضطرب است و هواخواه دولت است .

یک بدبختی که شامل حال شاه است این است که با اینکه طایفه قاجاریه اگر زیر سلاح بروند لااقل هزار نفر با اسلحه تمام محکم دور شاه را بگیرند و از او جدا نشوند و شاید همین اجتماع فامیلی باعث قوت و غلبه او گردد . ولی يك نفر از بستگان و خویشاوند او اطراف او نمی‌باشند . زیرا که عین‌الدوله با ملت شده است ، فرمانفرما در تجریش در باغ سپهدار نزدیک سفارتخانه آمده يك منزل گرفته است ، نصره الدوله پسر فرمانفرما در زرکنده می‌باشد ، نایب السلطنه و ولیمهد در زرکنده ، علاء الدوله در خانه خود ، ناصر-الدوله در خانه خود در شهر ، باری شاهزادگان و بزرگان قاجاریه در سلطنت آباد نمی‌باشند . عمده از امراء و صاحب منصبان یا در خانه‌های خود یا در دهات فرار کرده‌اند ،

فقط امیر بهادر و چند نفر بی سرو پا با اردوی گرسنه دور شاه می‌باشند ، آنها هم به طمع غارت و گاه گاهی دهات اطراف را غارت کردن این قدر مانده‌اند . امروز جناب آقا یحیی تفراتی از کلام الله زد این آیه مبارکه آمد : **و انهم لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون .**

اکثر خانه‌های شهری بیدق سرخ زده‌اند . بنده نگارنده هم دم خانه خود بیدقی زده‌ام که بالای آن نوشته‌ام به خط سفید یا صاحب الزمان ، خط دویم زنده باد مشروطه ، خط سویم پاینده باد قانون اسلام .

امروز دم دروازه قزوین يك نفر آخوند که معلم ابتدائی مدرسه سلطانی بود مشغول خریدن نان بوده است . جمعی از سربازهای سیلاخوری که آمده بودند از طرف دروازه قزوین وارد شوند و مردم را بچاپند می‌رسند به این آخوند ، او را گرفته می‌برند به طرف دروازه تا به دروازه امام زاده حسن می‌رسند بیچاره را پاره پاره می‌کنند رحمة الله علیه .

یوزباشی جهانگیر باچند نفری از مجاهدین شهری مدتی با اردوی دولتی که طرف دروازه قزوین بودند زدو خورد می‌کنند تا از طرف مجلس مجاهدین سواره به امداد اومی‌رسند ، توپ دولتی را گرفته اردو را متفرق می‌کنند .

امروز سه سنگر دولتی را ملت گرفتند : یکی سنگری بود که در خانه عین الدوله بود ، دیگری سنگر خانه صاحب جمع ، دیگر سنگر خانه نیرالدوله . طرف عصر سنگرها را گرفته ولی دو سه نفر از مجاهدین شهری شهید شدند : یکی منصورخان پسر حسن خان بود که پدرش در قزاق خانه سرهنگ بود و در سه سال قبل او را از قزاق خانه اخراج کرده بودند به تقصیر اینکه مشروطه خواه است و حسن خان در مشروطیت خیلی خدمت کرده بود و اکنون هم در عداد مجاهدین بود . منصورخان پسرش در فتح سنگر خانه صاحب جمع کشته شد . حسن خان پسر دیگرش را به جای او منصوب کرد . دیگری پسر محمد علی خان که از سادات بود و او هم سابقاً در قزاق خانه بود به جرم مشروطه خواهی اخراج شده بود و در عداد مجاهدین بود که امروز شهید شد .

ده نفر سرباز مامقانی را امروز به حالت اجتماع گرفتار کرده آوردند نزد سپهدار . فوراً تائب شده و گفتند ما حاضریم برای خدمت به ملت ، هر جا به ما مأموریت بدهید اطاعت کرده جانفشانی می‌کنیم . لذا آنها را می‌سپارند به یکی دو نفر از مجاهدین ، در یکی از کاروانسراهای اطراف مجلس منزل به آنها می‌دهند . ولی آنها مخفی را پرت می‌دهند به دولت که فردا صبح ما سپهدار و حاجی علیقلی خان را می‌کشیم اگر چه کشته می‌شویم . این را پرت به دست مجاهدین افتاد ، دیروز صبح هر ده نفر از جای خود حرکت کرده به طرف مجلس که خدمت سپهدار برسند و خدمت خود را انجام دهند . نزدیک

مدرسه سپهسالاریک دفعه مجاهدین آنها را هدف گلوله می نمایند دوسه نفر از آنها که زنده مانده و رمقی داشته می گویند سرباز سیلاخوری هم الان به مدد ما خواهد رسید . در این بین به قدر بیست نفر از سربازهای سیلاخوری می رسند که مجاهدین آنها را گلوله باران می کنند .

امروز سرداران ملی لایحه به شاه می نویسند که اعلیحضرت بر ما پادشاه و باید مهربان باشید . اگر تشریف بیاورید به شهر و دوازده نفر از مقصرین را به ملت بدهید که آنها را استنطاق نمایند هر آینه ما مطیع و چاکریم . شاه جواب داد که تا یک فشنگ در دست من باشد این کار را نمی کنم و فوراً حکم می دهد آسیاب های دور شهر را بخوابانند که آرد به شهر وارد نشود و یک عده از اردو هم اطراف شهر و دروازه ها را بگیرند که آذوقه به شهر وارد ننمایند . مجاهدین شهری از یک طرف اردوی دروازه قزوین را هزیمت داده ، یک توپ آنها را گرفته ، از طرف دیگر سنگرهای شهری را گرفته ، از یک طرف صاحب منصبان قزاق خانه از خدمت خود استعفا داده ، از یک طرف وزراء به سفارتخانه عثمانی پناهنده می شوند . بعضی از صاحب منصبان به سفارتخانه آلمان پناهنده شده ، اطراف شاه را خالی می کنند . دو نفر زن و یک طفل امروز به گلوله توپ دولت کشته شدند .

یک گلوله توپ از دروازه قزوین می افتد به خانه مستوفی الممالک و در آنجا پاره می شود و دو گلوله توپ هم به چند خانه دیگر ، ولی کسی را نکشت .

قزاقها بدون جهت چند گلوله توپ به خیابان فرمان فرما خالی کرده ، سه چهار نفر مردمان بی طرف به قتل رسیدند . امروز خانه حاجی معتمد برادر وکیل الدوله و خانه شجاع السلطنه را به توپ دولتی خراب و اسباب خانه را به غارت بردند . امروز در اکثر از خانه ها بیدق قرمز را نصب کردند .

روز جمعه ۲۷ جمادی الاخری ۱۳۲۷ - دیشب صدای توپ و تفنگ کمتر در شهر شنیده می شد ، فقط از دور صدای توپ می آمد که معلوم بود در خارج دروازه است . لکن در اول صبح درارک و توپخانه خیلی تفنگ خالی کرده و یک ساعت متوالی صدای تفنگ از ارک مسموع می گردید که صنیع حضرت و شاطر حسین باجمعی از الواط ارک را محافظت می کنند و تیر به هوا و در و دیوار خالی می کنند .

امروز دو ساعت به ظهر در شهر منتشر گردید که محمد علی شاه رفته است به سفارتخانه روس و از تخت و تاج استعفاء داده است . اگر چه هنوز باور نمی کنم ولی از رشادت مجاهدین و شجاعت بختیاری و حرکات ناهنجار درباریان نتیجه همین است که ملت غالب و دولت مغلوب شود . زیرا که در این یکسال استبداد بحدی قلوب مردم از شاه منزجر شده است که حد و وسف ندارد . شاهزادگان بزرگ از او رنجیده و متفرق ، وزراء دلگرمی

به کار ندارند، نظام حقوق خود را نگرفته، فقط عده معدودی از بی شرفها از قبیل امیر- جنگ و ارشد الدوله و مجلل و صنیع حضرت و حمال و بیچار حامی او می باشد. بلی مانند حاجی علیقلی خان سرداری را از خود می رنجاند و لقب او را که سردار اسعد می باشد می دهد به صنیع حضرت که از پست فطرتها و دون همتان می باشد، این است که یامغلوب می شود و کشته خواهد شد و یا به سفارت متحصن خواهد گردید. فعلا که دو ساعت به ظهر است در شهر این خبر منتشر گردیده و قلوب مستبدین شکسته و ضعف و فتور از صورت آنان هویداست.

الآن که اول شب است اخبار امروز را که به تحقیق دست آورده [ام] می نگارم :
 امروز صبح محمد علی شاه با جمعی از اجزاء خود از قبیل حسین پاشا خان امیر جنگ و مجلل السلطان و ارشد الدوله با دوست سیصد نفر سوار و عده ای از سیلاخوری و مامقانی و چهار عراده توپ، از سلطنت آباد به طرف سفارتخانه روس فرار کرده و آن سفارتخانه را مأمن خود قرار داده و خود را از تاج و تخت کیانی بی بهره و نصیب نمود. در این روز چهار ساعت به غروب مانده، در عمارت بهارستان مجلس عالی از وجوه مملکت در خصوص عزل محمد علی شاه و نصب سلطان احمد میرزای ولیعهد به سلطنت ایران و تعیین نایب السلطنه و وزراء مسئول تشکیل شد. (مجلس عالی عبارت است از مجلس روساء ملت و اعیان مملکت و از هر طبقه در آنجا حاضر باشند بحدی که آراء آنها کاشف از رضای ملت باشد). این مجلس مقدس هم مرکب بود از عموم علماء و وجوه و کلای سابق و وزراء و شاهزادگان و اعیان و اشرف و تجار و روسای اصناف که عده حاضرین در مجلس متجاوز از سیصد نفر بود. متجاوز از سه هزار نفر از عموم طبقات در فضای عمارت بهارستان برای استماع کلمات و نتایج اقدامات مجلس عالی حاضر بودند و چون به واسطه کثرت جمعیت، گرفتن رأی در خصوص عزل محمد علی شاه و نصب ولیعهد به سلطنت و تعیین نایب السلطنه و انتخاب وزراء و سایر امور اشکال داشت، کمیون فوق العاده از اشخاص مفصله ذیل منتخب شده، در اطاق مخصوص نشسته، اعلان و احکام لازمه را نوشته به مجلس عالی آورده، در آنجا قرائت نمودند. عموم حاضرین مجلس عالی و بهارستان صدای زنده باد اعلیحضرت سلطان احمد شاه پادشاه مشروطه، پاینده باد استقلال ایران، زنده باد مجاهدین و سرداران ملی، پاینده باد سپهدار اعظم و سردار اسعد را بطوری بلند نمودند که تمام طهران بلکه گوش تمام دنیا را ازین صدای فرح افزا پر کردند. یکک شف و سروری در مردم مشاهده می شد که از وصف تقریر و حیز تحریر خارج است.

صورت اسامی کمیون که احکام از آنجا به مجلس عالی می آمد :

آقای صدر العلماء، آقا میرزا سید محمد امام زاده، آقا سید محمد پسر آقا سید عبدالله، صنیع الدوله و ثوق الدوله، مستشار الدوله، حکیم الملک، نواب حسینقلی خان، میرزا محمد خراسانی، وحید الملک، حاجی سید نصر الله.

حاج محمد علی لاجر. حاج سید محمد تاجر. سالار حمت. مرئس قلیخان بختیاری. عیدالسلطان. میرزا علی محمد خان. میرزا سلیمان خان. نظام السلطان. آقا میرزا غفار. عیدالکماء. معزالسلطان رشتی. قوام السلطنه. میرزا یانس. آقای کسمالی. آقا میرزا طاهر.

اول لایحه که از کمیسیون مزبور به مجلس عالی آمد و در مجلس عالی قراءت شد و پس از امضاء به طبع رسید و نشر شد این لایحه است :

اولین لایحه که در سلطنت اعلیحضرت احمد میرزا

قراءت شد در مجلس عالی

چون احوال و اوضاع حاضره مملکت ایران ، معین و مسلم نمود که اعاده نظم و امنیت مملکت و استقرار حقوق و اطمینان قلوب ملت بدون تغییر سلطنت مقدور نخواهد بود و پادشاه سابق انزجار طبایع ملت را در حق خود به درجه کمال یافته ، در سفارت محترمه دولت بهیه روس به حمایت دولتمن فخریمتین انگلیس و روس پناهنده شده ، بالطبع شخص خود را از تاج و تخت ایران بی نصیب و مستعفی نمود ، علی هذا در غیاب مجلسین سنا و شورای ملی ، مجلس عالی فوق العاده بر حسب ضرورت فوری روز جمعه ۲۷ جمادی الاخری ۱۳۲۷ در طهران در عمارت بهارستان تشکیل یافته ، اعلیحضرت قوی شوکت اقدس سلطان احمد میرزا ولیمهد دولت علیه را به سمت شاهنشاهی ایران منصوب و نیابت سلطنت را عجلتاً به حضرت مستطاب اشرف عضدالملک تفویض نمود که بعد از تشکیل پارلمان بنابه ماده ۳۸ قانون اساسی در باب نیابت سلطنت موافق مقتضیات وقت قرار قطعی داده شود .

صورت حکم مجلس عالی در خصوص وزارت جنگ

نظر به حسن خدمات و زحمات و مراتب عال المال فداکاری حضرت مستطاب اشرف افخم آقای سپهدار اعظم دامت شوکت در استحصال و استقرار حقوق مقدسه ملت و اعاده شئون دولت و به ملاحظه اینکه وزارت جلیله جنگ بنا به اقتضای فوق العاده امروز نهایت اهمیت را دارد ، مجلس عالی فوق العاده که در روز جمعه ۲۷ جمادی الثانیه ۱۳۲۷ در بهارستان منعقد شد وزارت جلیله جنگ را به حسن کفایت حضرت مستطاب معظم له تفویض نمود که شرایط غیرت و وطن پرستی خودشان را در حسن انتظام این اداره جلیله معمول و مجری دارند .

ایضا صورت حکم در خصوص وزارت داخله

چون حضرت مستطاب اجل اکرم آقای حاجی علیقلی خان سردار اسعد که در استقرار حقوق مقدسه ملت و اعاده شئون دولت به تحصیل نیکنامی تاریخی و سر بلندی ابدی موفق شدند و لازم است خدمات و زحمات خود را در راه ترقی

و انتظام مملکت تکمیل و تشکرات عمومی را از قبول زحمات آتیه نیز جلب فرمایند، لیهذا مجلس عالی فوق العاده که به تاریخ روز جمعه ۲۷ جمادی الثانیه در بهارستان منعقد شد وزارت جلیله داخله را که در این موقع اهمیت مخصوص دارد به حضرت معظم له تفویض می نماید که حسن کفایت و فرط غیرت خود را در انتظام این امر جلیل به موقع اجرا گذارند .

نطق حضرت اشرف عضد الملک نایب السلطنه

در امروز در مجلس عالی

از حسن ظنی که عموم ملت و مجلس عالی فوق العاده به این بنده اظهار نمود و بنده را موقفاً به سمت نیابت سلطنت ایران منصوب و مفتخر فرموده تشکرات فائمه خود را اظهار می نمائیم ؛ و امیدواریم به دستیاری خیر خواهان وطن و روسای ملت و همراهی مجاهدین غیرتمند که اقدامات آنها موجب خدمات لایقه و تحصیل موجبات ترقی مملکت موفق شده ، این حسن عقیده عمومی را به اظهار عملیات و ابراز خدمات تکمیل نمایم .

صورت تلگرافی است که از طرف مجلس عالی

به حجج اسلامیه شده است

از طهران ۲۷ جمادی الثانیه ۱۳۲۷ نجف اشرف :

حضور مبارک حضرات حجج الاسلام والمسلمین ، آیات الله فی الارضین آقای خراسانی و آقای مازندرانی و بهبهانی مدالله ظلم علی رؤس المسلمین - از یمن توجهات حضرت ولی عصر عجل الله فرجه و اهتمامات کافیه که از طرف باشرف آن ذوات محترمه در حفظ آثار اسلام و ترویج شریعت مظهره و استحکام اساس مشروطیت مبذول شده ، در روز جمعه ۲۷ جمادی الثانیه مجاهدین وفدائیان ملت اثنی عشری در کمال نظم و سلامت طلبی ، شهر دارالخلافه طهران را متصرف و نظر به انزجار عموم افراد ملت از وضع اداره اعلیحضرت محمد علی میرزا به ملاحظه اینکه صبح روز مزبور به سفارت دولت بهیه روس رفته ، در تحت لوای دولتین روس و انگلیس متحصن شده بودند ، به تصویب و صلاح دید مجلس عالی که مرکب از علماء اعلام و کلیه وجوه و اعیان مملکت و شاهزادگان عظام و کلیه وجوه و کلای سابق تشکیل شده بود ، اعلیحضرت معظم را از سلطنت ایران منفصل و اعلیحضرت اقدس همایون شهرباری سلطان احمد میرزا ولیعهد دولت علیه را به سلطنت منصوب و نیابت سلطنت را عجاله به موجب اصل ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی به حضرت مستطاب اجل اشرف ارفع اکرم آقای عضد الملک دامت شوکتہ تفویض فرمودند که بعد از انعقاد پارلمان مطابق ماده ۳۸ قانون اساسی در باب

نیابت سلطنت ، قرار قطعی داده شود . این است که استحضار خاطر مقدس آن ذوات محترم را از نتیجه اقداماتی که به حسن توجهات خاطر مبارک بندگان حضرات حجج الاسلام عالی دامت برکاتهم حاصل شده است لازم دیده ، تشکرات بی پایان عموم افراد مسلمین را از محاسن نیات آن حضرات به تقدیم رسانیده ، امیدواریم که از برکات انفاس قدسیه آن ذوات مقدسه ، موجبات ترویج معدلت و آسایش ملت و اعلام آثار شرع مبین در تزیید ، دولت و ملت آسوده و اساس مسلمانی بر وفق مکتونات خاطر مبارک روز به روز قرین استحکام گردد . (از طرف مجلس عالی) (سپهدار اعظم وزیر جنگ) (سردار اسعد علی قلی وزیر داخله)

لایحه‌ای از طرف مجلس عالی به محمدعلی پادشاه سابق نوشته شد که هیئتی از طرف ملت بروند به سفارتخانه و بدهند به پادشاه سابق . چون از طرف سفارت روس تلگرافی در جواب وزیر داخله و وزیر جنگ رسید ، لذا لایحه فرستاده نشد لکن در مجلس عالی قراءت شد .

صورت لایحه ایست که از طرف مجلس عالی

به والا حضرت محمدعلی میرزا پادشاه سابق نوشته شد

اعلیحضرتا - مقتضیات وقت و شدت هرج و مرج مملکت و انزجار قلوب ملت از اداره اعلیحضرت همایونی ضرورت بهم رسانیده که آن اعلیحضرت از زحمات بار سنگین سلطنت خود را معاف فرمایند . برطبق همین ضرورت چون آن اعلیحضرت امروز که جمعه ۲۷ جمادی الثانیه ۱۳۲۷ در سفارت محترمه دولت بهیه روس به حمایت دولتین فخیمتین انگلیس و روس پناهنده شده ، بالطبع شخص همایون خود را ازین زحمت فارغ فرمودند . علیهذا مجلس عالی فوق‌العاده امروز جمعه ۲۷ جمادی الثانیه ۱۳۲۷ در بهارستان تشکیل یافته ، اعلیحضرت قوشوکت اقدس سلطان احمد شاه خلدالله ملکه و سلطانها را به شاهنشاهی ایران پذیرفته و تا تشکیل پارلمان موقتاً حضرت مستطاب اشرف عالی‌عضدالملک دامت شوکتها را به سمت نیابت سلطنت اختیار نمود .

ترجمه تلگراف جوابیه سفارت روس و انگلیس

سپهدار - سردار اسعد دو نماینده ، تلگراف دیروزی شمارا به اعلیحضرت محمدعلی اطلاع دادند . معظم له اظهار می‌دارد که همان وقت که سلطنت آباد را ترک نمود خود را از سلطنت خلع کرده است و بنابراین از پذیرفتن هر هیئتی امتناع دارد . (بارکلی سفیر انگلیس) (سابلین شارژدافر روسی)

امروز لایحه از طرف مجلس عالی به اعلیحضرت همایونی سلطان احمد شاه خلدالله ملکه در سلطنت آباد به توسط هیئتی که اسامی آنها از قرار ذیل است ، فرستاده شد .

آقا سید محمد پسر آقا سید عبدالله - آقا سید محمد امامزاده - نظام الملک - موثق الدوله شاهزاده ناظر - علاء الدوله - علاء الملک .

صورت لایحه ملت

۲۷ جمادی الثانیه ۱۳۲۷ - به عرض پیشگاه اقدس اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سلطان احمد شاه خلدالله ملکه و سلطانہ ، چون اعلیحضرت محمد علی میرزا پدر والامقام اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی برحسب مقتضیات وقت از تقلد امر خطیر سلطنت معاف شدند، به موجب ماده سی و شش و سی و هفت قانون اساسی، در مجلس فوق العاده که به تاریخ ۲۷ جمادی الثانیه در عمارت بهارستان منعقد گردید، سلطنت به اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی مقرر و اعلان شد و نیابت سلطنت موقه^۱ به عهده حضرت مستطاب اشرف عالی عضدالملک دامت شوکته و اگذار گردید، تا بعد از انعقاد پارلمان به موجب ماده ۳۸ قانون اساسی قرار قطعی در باب نیابت سلطنت داده شود . مراتب معروضه فوق از طرف مجلس عالی فوق العاده رسماً به توسط مبعوثین آن مجلس عالی به پیشگاه سریر اعلی ابلاغ و اعضای این مجلس از طرف عموم ملت تبریکات صمیمانه خود را تقدیم حضور باهرالنور همایونی داشته ، از خداوند مسئلت می کنند که سلطنت مشروطه آن اعلیحضرت بـرای عموم اولاد ایران به انواع میامن و تبریکات مشحون و ترقی و سعادت این مملکت در سایه توجهات خسروانه حاصل و کامل گردد .

امروز طرف عمر پالکنیک با یک نفر از طرف سفارتخانه انگلیس و اسدالله خان سر تیپ و چند نفر از مجاهدین آمد به مجلس و سه مسئله را درخواست نموده : اولاً - مواجب پس افتاده^۲ او را بدهند؛ ثانیاً - امنیت جانی به او بدهند؛ ثالثاً او را در خدمت باقی گذارند . دو مطلب اول قبول شد لکن مطلب آخری را قول ندادند و گفتند منوط به تصدیق پارلمان است . لکن عجله^۳ قزاقخانه راجع به خود او شد ولی در تحت مواظبت کمسیون جنگ و محافظت چند نفر از مجاهدین .

امروز جارچی طرف غروب آمد به بازار و جار کشید تا فردا اهل نظام اسلحه خود را تحویل بدهند و کسی را به آنها کاری نیست و اگر تا فردا اسلحه را ندهند و سنگرها را تخلیه نکنند مجازات به آنها داده می شود . نیرالدوله هم در مدرسه سپهسالار تحت الحفظ است . سنگرها متفرق شدند ، جز خانه شیخ فضل الله که هنوز سنگر او باقی و سربازهای سیلاخوری متفرق نشدند .

امروز در تمام خانهها و سراها بیرق قرمز افراخته و بر بیدق به خط سفید نوشته اند زنده باد مشروطه ، پاینده باد قانون اسلام . بر بعضی به علاوه لفظ یا صاحب الزمان ، بر بعضی به علاوه زنده باد مجاهدین .

امروز جار کشیده شد که فردا بازارها را باز کنند.

در مردم يك امنیت طبیعی پیدا شده است، برخلاف سال گذشته که مجلس را به توپ بستند احدی اطمینان و امنیت نداشت و کلی مال مردم را به غارت بردند و به جان مردم افتادند زید را بگیر و عمرو را بگیر، با اینکه عفو عمومی داده شد احدی امنیت نداشت. لکن امروز با اینکه هنوز عفو عمومی داده نشده است مردم آسوده و راحت می باشند. احدی را سدمه نمی زنند با افراد مردم به مهربانی و حسن خلق سلوک و رفتار می شود.

خلاصه اقدامات این چند روزه :

پس از فتوحات باهره قشون ملی در قزوین و کرج و شکست دادن اردوی پادشاه سابق سبح سه شنبه ۲۴ جمادی الاخری ۱۳۲۷ قشون ملی به ریاست سپهبد اعظم و سردار اسعد ، به پیش جنگی سالار حشمت و مرتضی قلسی خان بختیاری و میرزا علی خان و نظام السلطان و مسیو پیرم ازدروازه بهجت آباد حمله به تهران آوردند . جنود استبداد که محض جلوگیری از قشون ملی و تضییع حقوق ملت مسجد سپهسالار و بهارستان و دروازه ها و میدان مشق و توپخانه و قزاقخانه و کلیه امکنة مرتفعه شهر را سنگر قرار داده بودند ، در جلو آن سیل بنیان کن آسمانی تاب مقاومت نیاورده ، اکثر سنگرها را خالی و واگذار به قشون ملی نمودند . قشون ملی شهر طهران را متصرف و بهارستان و مسجد سپهسالار را مسکن قرار دادند . اشاری که سنگرهای خود را خالی نموده ، به طرف میدان مشق توپخانه و خیابان علاءالدوله و ارك دولتی و عمارات سلطنتی رفته ، با سایر اشاری که در آن امکنه بودند همدست شدند ، آن امکنه را مأمن و محل شرارت خود قرار دادند ، بکلی ابواب آمد و شد و عبور و مرور را به اهالی مسدود داشتند که هر کس از آن حدود گذشت هدف گلوله و آتش شرارت آنان گردید .

جمعی از قزاق و سوار در بیرون دروازه دولت و شمیران به همین شیوه غیر مرضیه انواع شرارت را اعمال داشتند . چون از این شرارت و خود سری به قشون ملی خللی نرسید در روز دوم از طرف سلطنت آباد و قصر قجر و دروازه دوشان تپه و تل های مرتفع عباس آباد و قزاقخانه ، مدرسه و مجلس را به امر محمد علی میرزا به توپ بستند که شاید از صدای توپ شربل و مسلسل مجاهدین را از میدان جان بازی فرار دهند . و جمعی از اشار و دامینی و سیلاخوری و غیره را مامور داشتند که غفلة از دروازه دولاب و دوشان تپه و دروازه قزوین به شهر وارد شوند و منازل مسلمانان را غارت نمایند . در این موقع که مجاهدین در کمال رشادت برای مدافعه و سرکوبی اشار مزبور از اطراف ، قزاقخانه و میدان توپخانه و دروازه دوشان تپه و دولاب و دروازه قزوین را محاصره کرده بودند آنان را روانه دیار عدم می نمودند . قورخانه و ذخیره ملی که با سیصد نفر از مجاهدین به ریاست معز السلطان رشتی و میرزا علی محمدخان و اسدالله خان سرتیپ پسر مرحوم ابوالفتح خان

و بعضی دیگر از رؤساء جنگ از قریه بادامک از اردوی ملی به بعضی ملاحظات عقب افتاده بودند و مامور به حمل قورخانه ملی به شهر طهران بودند وارد شدند .

خلاصه بعد از سه شبانه روز جنگ که بکلی امید محمدعلی میرزا مبدل به یأس شد و کلیه قشون او از کار افتادند ، تا اینکه با دوست سیمصد نفر سوار و چهار عراده توپ از سلطنت آباد حرکت کرده و به بهانه رفتن به کامرانیه خود را رسانید به سفارتخانه روس که در زرگنده واقع است و عمارت بیلاقی سفارتخانه است .

امیربهادر آمد جلو کالسکه شاه و گفت اعلیحضرت از راه کامرانیه منصرف شدید ؟ در جواب گفت : می خواهم بروم به سفارتخانه . گفت : رفتن به سفارتخانه را بگذارید برای آخر که بکلی مأیوس شدیم ، الان ما شش هفت هزار نفر اردو داریم از روسیه هم به امداد ما خواهند آمد ، این گروه قلیل را به اندک مدتی می کشیم و شهر را به توپ می بندیم . محمد علی میرزا گفت : اگر مانع شوی با این تفنگ تورا می اندازم . آن بی شرف هم ساکت شده با هم رفتند به طرف سفارتخانه روس . لدی الورود در اطاق و منزل سفیر او را نشانیده و چون سفیر روس غایب است شارژدافر برای پذیرائی حاضر شده ، فوراً دو نفر سوار هندی هم از قلعه از طرف سفارت انگلیس آمد یک طرف عمارت بیدق انگلیس و دو نفر هندی پای بیدق نشسته و ناظر به مکان محمد علی میرزا ، یک طرف عمارت دو نفر قزاق روسی پای بیدق روس نشسته و ناظر مهمان وارد شدند . چرچیل شارژدافر سفارت انگلیس سوار درشکه شده ، یک نفر مجاهد هم با او سوار ، بیدق سفید را به دست یک نفر هندی داد که در جلو درشکه نشسته ، به طرف مجلس آمدند . از دم دروازه مجاهد فریاد می زد که محمد علی فرار فرار فرار ، به این حالت وارد بر سرداران ملی گردید .

سبب یأس محمد علی میرزا و استعفای او از سلطنت ایران

سبب یأس محمد علی شاه از سلطنت ایران چه بود ؟ با اینکه روز قبل سپهدار و حاجی علیقلی خان برایش نوشتند : « ما چاکریم و مطیع ، یاغی نیستیم و خیال سلطنت نداریم . اگر اعلیحضرت تشریف بیاورید به شهر و دوازده نفر از مقصرین ملت را به ما بدهید که در عدلیه آنها را استنطاق و مجازات دهیم باز شما شاه و ما رعیتیم والا نه ما را ترس است و نه یأس و اگر با مقاصد ملت همراهی نکنید ما می آئیم به طرف سلطنت آباد ، الی آخره . و چرا قبول نکرد و گفت : « تا یک فشنگ داشته باشم چنین کاری نمی کنم ، و چرا با اینکه تقریباً ده دوازده هزار نفر اردوی مسلح و استعداد کامل داشت ، از یک عده قلیل که اسلحه تمامی نداشتند فرار کرد و این بی شرفی را بر خود هموار کرد ؟ و با اینکه احتمال می داد که امداد از ورامین و زنجان و بعضی ایلات برایش برسد ؛ و با اینکه به او گفته بودند و او را اطمینان داده بودند که قشون روسیه عملاً قریب می رسد و از تو حمایت می کند ؛ و با اینکه به او گفته بودند که به قوه پول می توان اختلاف بین مجاهدین و بختیاری انداخت ؛ و